

از زمین رفتن حرمتها

مجموعه آریانا نامی
عاج مسینه سابق میهنشیرازی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از بین رفتن حرمت‌ها

نویسنده:

صادق حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | از بین رفتن حرمت‌ها |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۷ | شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ |
| ۷ | از بین رفتن حرمت‌ها |
| ۸ | تأمل در گفتار حضرت زهرا |
| ۸ | جایگاه اجتماعی پیغمبر |
| ۹ | از بین رفتن حرمت رسول خدا |
| ۹ | سیاه‌ترین روز تاریخ |
| ۱۰ | حرمت شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا |
| ۱۰ | سفارش به بانوان |
| ۱۱ | سفارش به آقایان |
| ۱۲ | جوانان |
| ۱۳ | پی نوشتها |
| ۱۴ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

از بین رفتن حرمت‌ها

مشخصات کتاب

حضرت آیت الله العظمی

سید صادق حسینی شیرازی «دام‌ظله»

از بین رفتن حرمت‌ها

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی رحمه الله علیه

نویسنده: حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی رحمه الله علیه

پیرامون وقایع پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله

ترجمه/ علی خنیفرزاده

به اهتمام/ مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و اله

WWW.SHIRAZI.IR

info@s-alshorazi.com

نوبت چاپ/ اول

تاریخ انتشار/ دی‌ماه ۱۳۸۵

ذی‌الحجه الحرام ۱۴۲۷ه.ق

شمارگان/ ۱۰۰۰۰

چاپ/ نینوا

قیمت/ ۲۵۰ تومان

ناشر/ انتشارات سلسله

قم خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کد پستی/ ۳۷۱۳۷ ۱۳۹۹۳

صندوق پستی/ ۱۴۸۳۷۱۶۵

تلفن/ ۷۷۳۰۷۱۷

فاکس/ ۷۷۴۹۱۰۸

مدیر فروش/ ۰۹۱۲۱۵۳۹۳۶۰

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

:Selseleh_pub@Hotmail.com E.Mail

ISBN: ۹۶۴-۸۷۸۸-۴۷-۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ

در ۲۸ صفر سال یازدهم قمری فاجعه بزرگ شهادت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و اله واقع شد. (البته بنا بر قولی این روز با شهادت جانگداز سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی رحمة الله علیه نیز مصادف است.

مصیبت شهادت پیغمبر اسلام مصیبت بسیار بزرگی است؛ زیرا مصیبت در گذشت هر کس به اندازه شخصیت و مقام اوست. در میان تمام آفریده‌های گذشته و آینده هیچ شخصیتی مانند رسول خدا صلی الله علیه و اله نیست و هیچ کس به مقام بی‌همتای ایشان نمی‌رسد.

همان‌طور که ایشان گوهر یکدانه و بی‌همتای آفرینش است، فاجعه در گذشت ایشان نیز همانند شخصیت ایشان بی‌نظیر و استثنایی است.

تنها پیشوایان معصوم علیهم السلام وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و اله را به درستی می‌شناسند. ما هر چند بکوشیم و مطالعه کنیم چندان به شناخت حقیقت آن جناب راه نمی‌بریم و هر یک به قدر درک و معلوماتمان می‌توانیم از شخصیت ایشان برداشت کنیم. از همین رو بزرگی فاجعه شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله را فقط پیشوایان ما درک می‌کنند و فهم و درک ما از عظمت این فاجعه اندک و ناتوان است.

تمام تصورات ما نسبت به عظمت این واقعه و حقیقت آن پنداری بیش نیست.

بزرگی چنین فاجعه‌ای را آقا امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، حضرت بقیة الله الاعظم و دیگر ائمه علیهم السلام چنانکه باید و شاید درک می‌کنند. برای نمونه حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ای که چند روز پس از شهادت پدر بزرگوارشان ایراد کردند، درباره این فاجعه بی‌نظیر جمله‌ای فرمودند که شایان دقت و تأمل بسیار است؛ زیرا ایشان بهتر از هر کسی عمق این فاجعه را درک می‌کنند و از حقیقت آن آگاهند. ایشان ضمن خطبه می‌فرمایند:

وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ... فَتَلَكُ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكَبِيرُ وَالْمَصِيبَةُ الْعَظِيمَةُ؛ (۱) هنگام درگذشت آن حضرت، حرمت از میان رفت و به خدا قسم مصیبت بزرگ و فاجعه جبران‌ناپذیر همین است.

از بین رفتن حرمت‌ها

کسی که با ادبیات نسبتاً آشنا باشد و در این سخن حضرت تأمل کند درمی‌یابد که این کلام نغز ایشان ژرفای بسیار دارد. مضمون فرمایش حضرت که هیچ کس بهتر از ایشان حقیقت این واقعه را درک نمی‌کند این است که فاجعه بزرگ، شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله نیست. بلکه فاجعه بزرگ هتک حرمت پیغمبر خدا می‌باشد.

ای کاش حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمودند هتک حرمت شد، اما ایشان تعبیر هتک حرمت را به کار نبرده و فرموده‌اند: وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ؛ یعنی حرمت یکسره زائل شد و به کلی از میان رفت.

روشن است که میان تعبیری چون هتک حرمت و حرمت‌شکنی با از میان رفتن حرمت تفاوت وجود دارد و تعبیر دوم بدین معناست که هیچ حرمتی برجا نماند.

آن حضرت فرموده‌اند: «وَأُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ بَعْدَ مَوْتِهِ»، یا «أُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ لِمَوْتِهِ» بلکه از تعبیر «عند موته» استفاده کرده‌اند و ظاهر عبارت نشان می‌دهد که «اندکی پیش از» شهادت حضرت حرمت ایشان از میان رفت.

از سوی دیگر به جای «أُزِيلَتِ حَرَمَتَهُ» تعبیر «أُزِيلَتِ الْحَرَمَةُ» به کار رفته است و وجود این الف و لام بر سر حرمت که ظاهرش الف و لام جنس است بدین معناست که همه حرمت‌ها با شهادت آن جناب از میان رفت؛ یعنی نه فقط حرمت آن حضرت، بلکه حرمت

خدای متعال، خود حضرت زهرا، حضرت امیرالمؤمنین، تمام پیامبران، نماز، روزه، بهشت، قیامت، عرش، کرسی و همه چیزهای محترم از میان رفت. مسلماً چنین چیزی از مصیبت شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله به مراتب دشوارتر است و از همین رو حضرت زهرا علیها السلام سوگند یاد می‌کنند که به خدا قسم مصیبت بزرگ، شهادت رسول خدا نیست. بلکه مصیبت کبری و فاجعه عظمی از بین رفتن همه این حرمت‌هاست.

تأمل در گفتار حضرت زهرا

جا دارد در این نکته اندیشه کنیم که چرا حضرت چنین چیزی فرموده‌اند.

در آن روزگار مردم نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، در سوگ درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و اله چشمان‌شان اشکبار بود و چه بسا به شکلی حزن‌انگیز بر سر و سینه می‌زدند و ... با این اوصاف حضرت زهرا که عصمت کبری الهی است چرا چنین فرمودند و فاجعه بزرگ را نه شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله، بلکه حرمت‌شکنی‌هایی توصیف کردند که در آن هنگام رخ داد. آن حضرت از این سخن چه معنایی را اراده فرمودند؟

مصیبت شهادت رسول خدا صلی الله علیه و اله به اندازه جایگاه و الایشان بی‌نظیر و بزرگ و جبران‌ناپذیر است، اما حضرت زهرا علیها السلام شکستن حرمت‌ها را مصیبتی بزرگ‌تر و گران‌تر از مصیبت شهادت آن حضرت می‌داند. حضرت زهرا علیها السلام در آن هنگام این مطلب را به تفصیل بازنگفتند و آن را سربسته نهادند تا آیندگان درباره آن اندیشه کنند. در آن روزگار و در بسیاری از روزگاران نمی‌شد این موضوع را مطرح کرد. حضرت زهرا علیها السلام نیز نمی‌توانستند این مطلب را به تفصیل بشکافند. اما در دنیای امروز می‌توان آن حقایق را بازگفت. مطلب مورد اشاره در صحاح سته، تفسیر فخر رازی و بسیاری از نگاه‌های تفسیری و تاریخی وجود دارد و مراجعه به کتاب‌های عامه و خاصه کمک بسیاری به فهم این مطلب می‌کند. در دنیای امروز فضای ایجاد شده، مردم جوای سخنان نو و صحیح‌اند و می‌توان حقایق را بازگفت.

جایگاه اجتماعی پیغمبر

رسول خدا صلی الله علیه و اله پیش از ماجرای اسلام و مبعوث شدن به رسالت، تنها کسی در شبه جزیره بودند که دوست و دشمن به صداقت، درستی، و امانت‌داری ایشان گواهی می‌دادند تا جایی که ایشان را «الصادق الأمين» (لقب داده بودند. پس از ظهور اسلام نیز آن جناب در میان مسلمانان البته به استثنای عده‌ای محدود فوق‌العاده محترم بودند و از جایگاه والایی برخوردار بودند. ایشان به قدری در میان مردم مورد احترام بودند که وقتی در مناسک حج سر مبارک خود را می‌تراشیدند، مردم دور ایشان حلقه می‌زدند و موهای ایشان را برای تبرک می‌بردند) و در این کار از همدیگر پیشی می‌گرفتند. آنان چنان به ایشان عقیده و علاقه داشتند که وقتی آن جناب وضو می‌ساختند، برای تبرک جستن به قطرات باقیمانده از وضوی ایشان رقابت می‌کردند و آن‌را به خانواده‌های خود و بیماران برای استشفای می‌دادند. درباره آن حضرت آورده‌اند که:

إذا أمرهم ابتروا أمره وإذا توضعوا كادوا يقتلون علي وضوئه وإذا تكلموا خفضوا أصواتهم عنده وما يحدون إليه النظر تعظيماً له؛ (وقتی آنان‌را به کاری می‌خواند، در انجام دادن آن بر همدیگر سبقت می‌گرفتند و آنگاه که وضو می‌ساخت برای تبرک جستن به باقیمانده وضوی او چنان از هم پیشی می‌گرفتند که نزدیک بود همدیگر را بکشند و هرگاه در حضور او سخن می‌گفتند، آهسته سخن می‌گفتند و به احترام او هیچ‌گاه خیره خیره بدو نمی‌نگریستند.

حتی کسانی که بارها چنین کرده بودند، هر بار آن حضرت مشغول وضو گرفتن می‌شدند، همچنان برای گرفتن بقایای وضو آن حضرت از دیگران پیشی می‌گرفتند و برای چندمین بار این کار را انجام می‌دادند. این مطلب نشان از جایگاه بی‌نظیر آن حضرت در

دل و جان مردم دارد.

در اثبات جایگاه اجتماعی رسول خدا صلی الله علیه و اله هیچ چیز بهتر از زبان گویای خدا، حضرت امیرمؤمنان علی رحمه الله علیه نیست؛ زیرا هیچکس بهتر از ایشان پیغمبر را نمی‌شناسد.

در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و اله به حضرت امیرالمؤمنین رحمه الله علیه فرمودند:

یا علی ما عَرَفَ اللهُ إِلَّا- أنا وأنت ولا- عرفنی إِلَّا- الله وأنت ولا- عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وأنا؛ (یا علی، هیچکس جز من و تو خدا را نشناخت و هیچکس جز خدا و تو مرا نشناخت و جز خدا و من کسی تو را نشناخت).

هرچند حضرت امیرمؤمنان علی رحمه الله علیه از آدم و نوح و ابراهیم و عیسی و موسی و دیگر پیامبران برتر بودند، ولی هنگامی که از حضرت سؤال می‌شود آیا شما پیامبر هستید می‌فرماید: و یلک أنا عبد من عیید محمد؛ (وای بر تو من بنده‌ای از بندگان محمدم).

در حقیقت حضرت امیرالمؤمنین رحمه الله علیه که پیغمبر شناسند و خود از همه پیغمبران برترند، در معرفی حضرت ختمی مرتبت می‌گویند که تنها یکی از مریدان و پیروان آن جناب می‌باشد و این نشان از مقام والای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله دارد.

از بین رفتن حرمت رسول خدا

اما این حرمت والای رسول خدا صلی الله علیه و اله پیش از شهادت ایشان هتک شد و شکست. اما کاش فقط هتک می‌شد و می‌شکست؛ بلکه یکسره پایمال شد و از میان رفت. این اتفاق زمانی افتاد که عده‌ای گفتند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ؛ این مرد [العیاذ بالله] هذیان می‌گوید»، «... غلبه الوَجْح؛ درد بر او چیره شده است» (کنایه از این که هوشیاری خود را از دست داده و نمی‌فهمد چه می‌گوید).

این ماجرا در کتاب‌های مهم اهل سنت از جمله صحاح آمده و به‌رغم تفاوت در نقل جزئیات، اصل آن متواتر است. (اگر بنا باشد شخصیت بی‌مانندی چون رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله که اشرف اولین و آخرین است چنین سرانجامی داشته باشد و این‌گونه مورد اهانت قرار گیرد، تکلیف باقی مقدسات معلوم است).

سیاه‌ترین روز تاریخ

اگر امروزه غیر مسلمان روی کره زمین وجود دارد نتیجه آن روز و آن کار است. وجود بت پرستان روی کره زمین که خود می‌گویند یک میلیارد نفر جمعیت دارند از نتایج همان روز است. اتفاقی که در روز آخر حیات رسول خدا صلی الله علیه و اله افتاد، به فرموده حضرت زهرا علیها السلام تمام حرمت‌ها را یکسره از میان برد و پایمال کرد. اگر حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین رحمه الله علیه، پس از رسول خدا صلی الله علیه و اله نبودند به روشنی معلوم نبود که ما نیز امروزه چه وضعیتی داشتیم. در روایت آمده است:

لو أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ثَبَتَ قَدَمَاهُ أَقَامَ كِتَابَ اللَّهِ كُلَّهُ وَالْحَقُّ كُلُّهُ؛ (اگر جای پای امیرالمؤمنین علی رحمه الله علیه [در مسئله خلافت] محکم می‌شد قرآن حق را کاملاً عملی و برپا می‌فرمود).

بنابراین اگر پس از رسول خدا صلی الله علیه و اله، بلافاصله امیرالمؤمنین رحمه الله علیه بر سر کار می‌آمدند حتی یک غیرمسلمان برجای نمی‌ماند و البته روشن است که آن جناب هیچ‌کس را به پذیرش اسلام مجبور نمی‌کنند. اگر چنین می‌شد حرمت خدا و پیامبر و دین و ... همچنان تا به امروز ادامه می‌یافت. به هر حال اگر امروز ظلم یا فسق روی زمین هست نتیجه تخطی از خواسته پیامبر صلی الله علیه و اله و کنارزدن امیرالمؤمنین رحمه الله علیه است. تمام جنایاتی که در گذشته و حال صورت گرفته است نتیجه همان روز، و پیامد همان اقدام شوم است. تیرباران کردن جنازه مطهر امام حسن مجتبی رحمه الله علیه، تخریب بقیع، هدم بارگاه عسکریین

علیها السلام، و تمام جنایاتی که امروزه در عراق و جاهای دیگر در حق دین و دینداران انجام می‌شود همگی از نتایج نامیمون آن روز است. اگر آن روز و آن حرمت‌شکنی نبود نمی‌توانستند حضرت امیرالمؤمنین رحمه الله علیه را با سر برهنه به مسجد بیاورند، حضرت زهراى مرضیه علیها السلام را به شهادت برسانند، و هزاران حرمت دیگر را زیر پا بگذارند. سرنخ تمام جنایات‌ها و حرمت‌شکنی‌ها همان است. اگر امروزه مشاهده می‌کنیم که دشمنان تیره‌دل قبه نورانی عسکرین علیهما السلام را هدف قرار می‌دهند یا زائران سیدالشهدا را در روز عاشورا به خاک و خون می‌کشند، سبب آن را باید در آخرین روز حیات پیامبر جستجو کرد. همین است که از نظر حضرت زهرا علیها السلام هر چند شهادت رسول خدا مصیبتی بزرگ و جبران‌ناپذیر است ولی از بین بردن حرمت‌ها را مصیبتی به مراتب بزرگتر و کمرشکن‌تر می‌دانند.

آنچه امروزه از دین برجا مانده است نتیجه تلاش‌های بابرکت سیزده معصوم دیگر است که دین را حفظ کردند. اگر امام زمان و معصومان دیگر علیهم السلام نبودند، چه بسا امروز هیچ کس روی زمین نماز صحیح یا حتی غلط نمی‌خواند، درست همانند پیغمبران دیگر که با رفتن آنان، اسم آنان هم از میان رفت و امروزه از شریعت آنان چیزی برجا نمانده است.

حدیث شریف:

لولاك لما خلقت الأفلاك ولولا علي لما خلقتك ولولا فاطمة لما خلقتكما؛ ای رسول خدا، اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود شما دوتن را نمی‌آفریدم.

بدین معنا نیست که حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و اله برترند، بلکه این حدیث احتمالاً بدین معناست که این ذوات مقدسه علت بقا و پایداری و جاودانگی اسلامند و اگر این سلسله مبارک و زنجیره زرین معصومین پس از رسول خدا تداوم نمی‌یافت، امروزه هیچ اثری از دین برجا نمی‌ماند و دین اسلام به کلی از بین می‌رفت.

حرمت شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا

آنچه گفتیم مربوط به گذشته است. البته آثار گذشته هنوز باقی است و هنوز دنباله روان باطل مشغول فعالیت و تبلیغات منفی و خام کردن جوانان ساده‌دل و پراکندن امواج خشونت و ... هستند. اما وظیفه کنونی ما چیست؟ چگونه نسبت به رسول خدا حرمت‌شناس و حق‌گزار باشیم؟

یکی از وظایف ما در قبال رسول خدا صلی الله علیه و اله گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام از طریق ایجاد رسانه‌های گروهی، ایستگاه‌های رادیویی، ماهواره‌ها و نشریات است. علاوه بر آن، با برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام و روضه‌های خانگی چراغ امام حسین رحمه الله علیه را در خانه‌های خود روشن نگاه دارید. هر کس در حد خود و امکانات خود می‌تواند با این کار در نشر فرهنگ حسینی گام بردارد و با متبرک کردن خانه‌اش، خیر و برکت دنیا و آخرت را بخرد.

وظیفه دیگر ما این است که اخلاق خود را با اخلاق پیامبر هماهنگ کنیم. قرآن مجید آن حضرت را اسوه و الگویی ما معرفی کرده است (و همان‌طور که می‌دانیم آن حضرت مظهر صفات والا و کمالات اخلاقی‌اند). شایسته است که هر کدام از ما تصمیم بگیریم از همین لحظه آن حضرت را مقتدای خود قرار دهیم و با همگان و حتی کسانی که رفتار مناسبی با ما ندارند با خوش‌اخلاقی برخورد کنیم؛ زیرا خود آن جناب چنین بودند و دشمنان و کسانی که ایشان را آزار می‌دادند، مهربانانه رفتار می‌فرمودند و از خطاهایشان درمی‌گذشتند.

سفارش به بانوان

حضرت زهرا علیها السلام در وصیت‌شان به امیرالمؤمنین علی رحمه الله علیه فرمودند:

ولا خالفتک مُنْذُ عَاشِرَتِنِي؛ (از وقتی با من زیستی، هیچ‌گاه با تو از در مخالفت در نیامده‌ام.

کسانی که با لغت و ادب عرب آشنایی دارند به خوبی می‌دانند که سه مفهوم «خلاف»، «نقیض» و «ضد» با هم تفاوت دارند. برای روشن شدن تفاوت این سه مفهوم، فرض کنید مردی به زنی پیشنهاد کند به مشهد سفر کنند ولی همسرش بگوید به جای رفتن به مشهد به سفر عمره برویم. در این مثال رفتن به مشهد و سفر عمره ضد همدیگرند. حال فرض کنیم در همین مثال، همسر شخص بگوید: نه، به مشهد نمی‌رویم. در این مثال «رفتن به مشهد» و «نرفتن به مشهد» نقیض همدیگرند.

اما اگر در برابر پیشنهاد سفر به مشهد، همسر شخص پیشنهاد کند که این سفر به وسیله قطار باشد، به این حالت تخالف گفته می‌شود. (همان‌طور که مشاهده می‌کنیم «مخالف» به مراتب شدت کمتری نسبت به ضد و نقیض دارد و حضرت زهرا به جای به کار بردن دو مفهوم ضد و نقیض، از ماده «خلاف» که شدت کمتری دارد استفاده نموده است تا نشان دهد که با تو مخالفت نکرده‌ام، چه رسد به این که ضد یا نقیض خواسته‌ات چیزی بگویم یا بخواهم.

خانم‌ها باید این درجه از سازگاری را هرچند مشکل است از حضرت زهرا بیاموزند. زیرا حضرت زهرا و شخصیت‌هایی چون حضرت زینب، حضرت معصومه، بی بی تکتم (مادر گرامی امام رضا رحمه الله علیه)، بی بی نرجس (مادر امام زمان رحمه الله علیه) الگوی بانوانند و البته حضرت زهرا علیها السلام در این میان مهم‌ترین الگو می‌باشند.

مبادا کسی گمان کند زندگی حضرت زهرا علیها السلام آسان بوده است. در طی نه سالی که ایشان با حضرت امیرالمؤمنین رحمه الله علیه زندگی کردند، بیشتر این مدت همسر گرامی ایشان در خانه نبودند و مشغول نبرد با کفار و یهود و نصارا بودند. از سوی دیگر چه بسا طی شبانه‌روز حتی خرمایی هم در خانه نداشتند تا خود و فرزندانشان با آن گرسنگی خود را بنشانند. چه بسا که حضرت امیرمؤمنان برای تهیه غذا دیناری قرض می‌گرفتند ولی در طی راه آن را به نیازمند می‌دادند و با دست خالی به خانه باز می‌گشتند... زندگی حضرت زهرا در چنین شرایطی، هرگز زندگی آسانی نبوده است.

چه خوب است خانم‌ها آن حضرت را در زندگی الگوی خود قرار دهند و سختی‌های این راه را به حساب ایشان بگذارند. خانمی که چنین تصمیمی بگیرد، به سعادت می‌رسد. سعادت، با داشتن ثروت، شهرت، مقام و اموری از این دست حاصل نمی‌شود. زنی که برای خدا از سختی‌های زندگی و درشتی‌های شوهر گذشت کند و آن را به حساب حضرت زهرا علیها السلام بگذارد هیچ وقت دچار ناامیدی و افسردگی نخواهد شد.

سفارش به آقایان

آقایان نیز باید تصمیم بگیرند خوش اخلاقی پیشه کنند و در این راه از اخلاق کریمانه رسول خدا صلی الله علیه و اله زاد و توشه بردارند.

آن جناب همسران متعدد و گوناگونی داشتند که برخی از آنها بسیار خوش رفتار و مؤمن، و برخی بسیار بد اخلاق و زشت خوی بودند و عمری آن حضرت را آزار می‌دادند و تهمت‌ها و سخنان یاهوی به ایشان نسبت می‌دادند. اما هیچ‌گاه در تاریخ مشاهده نشده است که آن حضرت آنان را زده، یا از این بابت گله کرده باشند. هیچ‌کس از آقایان نمی‌تواند ادعا کند که همسرش به بدی همسرانِ بد رفتار پیامبر است. پس شایسته است تصمیم بگیریم این خلق خوش نبوی را از آن حضرت بیاموزیم و در رفتار با همسر به کار بندیم.

البته خوش اخلاقی فقط به زن و شوهر اختصاص ندارد و انسان باید در برخورد با برادر، خواهر، پدر، مادر، بستگان و همسایگان نیز این مسأله را رعایت نماید. در ارتباط با دیگران باید جانب حلم و بردباری و انصاف را پاس بداریم و بردباری دیگران را با بردباری و اخلاق حسنه پاسخ دهیم. فراموش نکنیم که هیچ‌یک از این تحمّل‌کردن‌ها بی‌پاداش نمی‌ماند و خدای متعال حتی بابت مصائب

ورنج‌هایی که بر ما وارد می‌شود، به ما پاداش می‌دهد و چه بسا به پاس یک بردباری ما در برابر اخلاق ناشایست دیگران، برخی از بلاهای مقدر را از ما دور نماید.

جوانان

روی دیگر سخن با جوانان است. نباید بگذاریم هیچ یک از جوانان در مسیر فساد تلف شود. البته هیچ کس بهتر از جوانان نمی‌تواند جوانان را به سمت راستی و نیکی سوق دهد. در تاریخ موارد فراوانی وجود دارد که برادری، برادر یا خواهر خود را از گمراهی و فساد نجات داده است. باید با حوصله و استدلال جوانان را از کج‌روی‌ها و انحرافات به سمت نور اهل بیت علیهم السلام هدایت نماییم. شایسته است جوانان نامه امام صادق رحمه الله علیه را به شیعیان که در کتاب‌های تحف العقول، بحار الانوار و ... آمده است با دقت و تأمل بخوانند و بدان عمل کنند و آن را چاپ کنند و در اختیار دیگران نیز قرار دهند.

پدران و مادران باید با نیکی و خوشرفتاری با فرزندانشان رفتار کنند و با آنان دوست باشند، نه این که فقط به آنها امر و نهی کنند. باید سعی کنند از طریق قصه‌گویی، سخنان نرم و روش‌های دیگر آنان را به سمت مکارم اخلاق دعوت نمایند و بدین نکته توجه داشته باشند که آنان سرد و گرم روزگار را نچشیده‌اند و خام و بی‌تجربه‌اند. ولی در عین حال فطرت پاک‌تری دارند و هر کمال و خیری را زودتر از دیگران می‌پذیرند. در روایت آمده است:

عليك بالأحداث فإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ (تو را به نوجوانان سفارش می‌کنم چراکه آنان در هر کار خیری شتابناک‌تر از دیگرانند.

ممکن است جوانی با یک جمله عوض شود و چه بسا جوان دیگری با صد جمله به راه صلاح درآید. آیا می‌توان به صرف این که صد جلسه گفتگو برای هدایت چنین جوانی لازم است از او دست بکشیم؟ مسلماً نه. برای هر دو جوان باید وقت صرف کرد؛ چراکه فرزند صالح از هر چیزی باارزش‌تر است و تربیت فرزندان درست کار آسانی نیست و هرکاری سختی‌های خود را دارد. فرزند صالح، هم به درد دنیای والدینش می‌خورد، و هم برای عالم برزخ و قیامت آنان سودمند است.

علی بن مهزیار جوانی نصرانی و گمراه بود که بر اثر هدایت یافتن به فرهنگ اهل بیت علیهم السلام به این مقام رسید. وهب جوانی نصرانی بود که هدایت یافت و در شمار شهیدان کربلا قرار گرفت. امروزه میلیون‌ها نفر با افتخار بر او و دیگر یاران سیدالشهدا رحمه الله علیه درود می‌فرستند و می‌گویند:

بأبي أُنتم وأُمِّي؛ (پدر و مادرم به فدایتان.

غرض این که جوان فطرت و طینت پاکی دارد، ولی تلاش و سازندگی لازم است تا جوان را به راه صلاح هدایت کنیم.

روی زمین نرم نمی‌توان ساختمان صد طبقه بنیاد نهاد

ولی زمین محکم این قابلیت را دارد. جوانی که دورتر است و تلاش بسیاری می‌طلبد تا به راه راست هدایت شود همانند آن زمین محکم ولی باارزش است؛ زیرا از میان همین جوان‌هاست که افرادی چون علی بن مهزیار، زهیر بن قین، وهب و زراره بیرون می‌آیند. بی‌شک تلاش برای گسترش فرهنگ اهل بیت و اخلاق نبوی و نجات جوانان از سرایش کجی‌ها به سمت نیکی‌ها از مهم‌ترین مصادیق حرمت‌شناسی و وفاداری نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و اله است.

امید است به برکت رسول خدا صلی الله علیه و اله خدای متعال این توفیق را به ما بدهد که نسبت به رسول خدا قدردان و حرمت‌شناس باشیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

پی‌نوشتها

این گفتار در ۲۸ صفر ۱۴۲۷ ق در اجتماع سوگواران مناطق گوناگونی از کشور ایراد شد.

بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۶ (فصل نورد فیه خطبةً خطبها)....

بحارالانوار، ج ۱۵، باب ۴، ص ۳۶۹، ح ۱۹.

همان.

بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۲۱.

تأویل الايات الظاهره، ص ۱۴۵.

کافی، ج ۱، ص ۸۹، ح ۵.

این ماجرا در مسند احمد بن حنبل چنین آمده است: عن ابن عباس قال لما حضرت رسول الله الوفاة قال: هَلَمْ أكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعده، وفي البيت رجال فيهم عمر بن الخطاب. فقال عمر: إن رسول الله؟ قد غلبه الوجع وعندكم القرآن، حسبنا كتاب الله. قال فاختلف أهل البيت فاقتصموا فمنهم من يقول: يكتب لكم رسول الله؟ أو قال: قربوا يكتب لكم رسول الله؟. قال قوموا عني. فكان ابن عباس يقول الرزية كل الرزية ما حال بين رسول الله؟ وبين أن يكتب لهم ذلك الكتاب من اختلافهم ولغظهم؛ از ابن عباس نقل شده است که گفت: رسول خدا هنگام وفات فرمودند: بگذارید برایتان نوشته‌ای بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید. در آن هنگام در خانه آن حضرت افرادی از جمله عمر بن خطاب حضور داشتند. عمر [با شنیدن این فرمایش حضرت] گفت: درد بر پیامبر چیره شده است. شما هم که قرآن دارید. کتاب خدا برایمان کافی است. در این سال میان افرادی که در خانه حضرت بودند اختلاف ایجاد شد. برخی گفتند: بگذارید رسول خدا این نوشته را بنویسد [و برخی با عمر هم عقیده بودند. وقتی گفتگو و نزاعشان بالا- گرفت] رسول خدا آنان را از نزد خود راند. ابن عباس می‌گفت: چه مصیبت بزرگ و جبران‌ناپذیری است که همه‌همه و نزاع آنان نگذاشت رسول خدا آن نوشته را بنویسد. در برخی از روایات دیگر آمده است که در برابر پیشنهاد پیامبر؟ عده‌ای گفتند: «ما شأنه يهجر؛ او را چه شده است که هذیان می‌گوید؟!» یا «إن الرجل ليهجر؛ این مرد [یعنی نعوذ بالله رسول خدا؟] هذیان می‌گوید». این ماجرا در بسیاری از منابع مهم اهل سنت آمده است؛ از جمله: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۲۵ «ذیل مسند عبدالله بن عباس»؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۷؛ ج ۵، ص ۱۳۸؛ ج ۸، ص ۱۶۱؛ ابن حزم، الإحكام فی اصول الأحكام، ج ۷، ص ۹۸۴؛ محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۴۴؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۸، باب مرض النبی ووفاته و؛ ... اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۵.

تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۴۶۳.

ولکم فی رسول الله اسوة حسنة؛ قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست (احزاب(۳۳)، آیه ۲۱).

إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق؛ من برای کامل کردن مکارم اخلاقی برانگیخته شدم (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

در اصطلاح منطقی گفته می‌شود: الضدان لا- یجتمعان ویفترقان والنقیضان لا- یجتمعان ولا یفترقان؛ دو مفهوم ضد (مانند سیاه و سفید) هیچ‌گاه در یک موضوع جمع نمی‌شوند ولی چه بسا هر دو در یک جا منتفی باشند. اما دو مفهوم نقیض، (مانند شب و روز) اجتماعشان در یک جا و هم ارتفاعشان از یک جا هر دو محال و ممتنع است. این در حالی است که دو مفهوم مخالف (مانند سیاه و ایستاده) اجتماع و ارتفاعشان در موضوع واحد ممکن است. (نگ: الفروق اللغویة) اصطلاحاً گفته می‌شود: المتخالفان یجتمع کل منهما مع الاخر وضده و نقیضه؛ هریک از دو مفهوم متخالف می‌تواند با دیگری وضد یا نقیض دیگری در یک جا جمع شود.

کافی، ج ۸، ص ۹۳.

. این تعبیر در زیارتنامه های گوناگون امام حسین واصحاب ایشان آمده است؛ برای نمونه نک: بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۹؛ همان، ج ۹۸، ص ۲۰۰؛ الإقبال، ص ۳۳۵ (فصل فیما نذکره من لفظ الزيارة المختصه) ... و ...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج‌رخان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـاـیـت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این‌خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله‌اعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳۰۶۲۱، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: «هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک‌کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید.»

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟»

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.»

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»

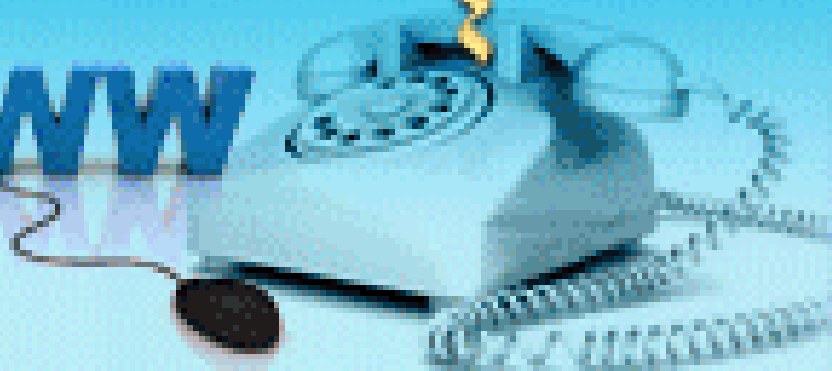


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

